

بررسی برنامه ریزی منطقه ای و توسعه شهری

قباد تیمور کرانی

کارشناسی جغرافیا، دانشگاه دولتی تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی برنامه ریزی منطقه ای و توسعه شهری انجام شد. روش تحقیق کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات و پایان نامه ها و... انجام گرفت. نتایج نشان داد جایگاه برنامه ریزی منطقه ای در تصمیم گیری های کلان و محلی، به عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی و افزایش رفاه اجتماعی در جوامع محلی، مورد بررسی قرار می گیرد. و فرآیند آن شامل مراحل شناسایی نیازها، تحلیل داده ها، و تدوین برنامه های عملیاتی که طی یازده مورد بدان اشاره شده است. همچنین نتایج نشان داد نظریه های بسیاری در زمینه برنامه ریزی منطقه ای وجود دارد که در این پژوهش فقط نظریه های (نظریه بخشی، رشد از داخل، مراحل، رشد از خارج و نظریه را ندینلی) مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه، توسعه به عنوان یک فرآیند پیچیده و چندبعدی مطرح می شود که شامل بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیطی است و شامل انواع مختلفی از قبیل برنامه ریزی از نظر هدف اساسی، از نظر زمان، از نظر درجه دخالت دولت، از نظر سطوح اقتصادی - اجتماعی، از نظر شمول جغرافیایی و برنامه ریزی از نظر جامعیت می شود که فواید آن شامل بهبود کیفیت زندگی، افزایش بهره وری، و کاهش نابرابری های اجتماعی است. که به دنبال ایجاد شرایطی برای رشد پایدار و متوازن در جوامع محلی هست و محوریت آن بر اهمیت توجه به نیازهای محلی و مشارکت جامعه در فرآیندهای توسعه تأکید دارد.

واژه های کلیدی: برنامه ریزی، برنامه ریزی منطقه ای، توسعه، توسعه شهری

مقدمه

برنامه‌ریزی منطقه‌ای و توسعه شهری دو مفهوم کلیدی در مدیریت و توسعه فضاهای انسانی هستند که به طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندان و پایداری محیط زیست تأثیر می‌گذارند. با توجه به رشد سریع جمعیت شهری و چالش‌های ناشی از آن، از جمله ترافیک، آلودگی، و نابرابری‌های اجتماعی، نیاز به رویکردهای جامع و یکپارچه در برنامه‌ریزی و توسعه بیش از پیش احساس می‌شود. برنامه‌ریزی منطقه‌ای به عنوان یک فرآیند استراتژیک، به تحلیل و مدیریت منابع و امکانات در سطح منطقه‌ای می‌پردازد و هدف آن ایجاد تعادل میان توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی در مناطق مختلف است. این نوع برنامه‌ریزی به شناسایی نیازها و اولویت‌های منطقه‌ای کمک می‌کند و می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و افزایش رفاه اجتماعی در جوامع محلی منجر شود. از سوی دیگر، توسعه شهری به فرآیندهای فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی مربوط به شهرها اشاره دارد و شامل برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از زمین، تأسیس زیرساخت‌های لازم، و ایجاد فضاهای عمومی مناسب است. این فرآیند نه تنها به بهبود شرایط زندگی در شهرها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار نیز منجر شود. در این راستا، بررسی تعاملات میان برنامه‌ریزی منطقه‌ای و توسعه شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تعاملات می‌توانند به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در هر دو سطح کمک کنند و راهکارهای مؤثری برای بهبود فرآیندهای توسعه ارائه دهند. لذا در این مقاله به بررسی جامع برنامه‌ریزی منطقه‌ای و توسعه شهری پرداخته می‌شود. با توجه به تحولات سریع و پیچیدگی‌های موجود در جوامع امروزی، این بررسی می‌تواند به عنوان یک راهنمای عملی برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان در جهت تحقق اهداف توسعه‌ای مؤثر و پایدار عمل کند.

برنامه ریزی شهری

برنامه ریزی شهری یک فرایند پیوسته و گویاست که روابط انسانی تضمین کننده پویایی آن است. بدین جهت برای تامین خدمات شهری و در نظر گرفتن عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی در یک نظام برنامه ریزی شهری جامع و پویا مشخص کردن اهداف سیاست‌ها و برنامه های توسعه شهری و هماهنگ کردن تمامی این عوامل با سایر برنامه های عمرانی در سطح منطقه ایی و کشوری و تنظیم برنامه ها و طرح ها در دوره های زمانی معین دارای اهمیت ویژه ایی است (شیعه ۱۳۹۱: ۹۴). در الگوهای اولیه ی برنامه ریزی شهری کمتر می‌توان اثری از نظریه پردازی های معطوف به نظام های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی اثر گذار بر الگوی هدایت و کنترل شهر را مشاهده کرد تبیین جزئیات بیشتر و تلاش برای کمی سازی متغیرهای حاکم بر برنامه و فرایند برنامه ریزی نگاهی محصول گرا در این زمینه است. اما در چند دهه ی اخیر به دنبال گسترش شهرنشینی و به تبع آن افزایش مشکلات شهری از یک طرف و توسعه علوم اجتماعی و نظریات برنامه ریزی و مدیریت لازمه استفاده از نظریات برنامه ریزی شهری در قالب‌های جدید و به ویژه اهمیت بیشتر نقش مردم و اجتماعات محلی اجتناب از حاکمیت محض متغیرهای برنامه و فرآیند محور شدن آن است. بدین جهت برنامه ریزی شهری و منطقه ایی در پیکره ی فکری جدید ارتباط زیادی با نظریه های فلسفی و اجتماعی و گرایش های سیاسی پیدا کرده است (اجلالی و همکاران ۱۳۹۴: ۸۰).

برنامه ریزی منطقه ای

برنامه ریزی منطقه ایی شامل فرایند تبیین و روشن نمودن آرمان‌های اجتماعی و پیشنهاد راه حل هایی جهت سامان دهی فعالیت ها در فضای فوق شهری می‌باشد در کل برنامه ریزی منطقه ای شامل روند منظمی برای انتخاب بهترین روش ها و

مدل‌ها جهت رسیدن به اهداف رشد و توسعه در مناطق مختلف می‌باشد (زیاری ۱۳۸۹: ۵۹). می‌توان هدف برنامه ریزی منطقه ای را عمران و توسعه مناطق ایجاد دگرگونی در کلیه سطوح زندگی مردم و استفاده از نیروهای مادی و معنوی و طبیعی منطقه کاهش نابرابری‌های منطقه ای و درون منطقه ایی کاهش اختلاف سطح شهر و روستا در درون منطقه و میان مناطق و توسعه پایدار منطقه ایی تعدی ساختارهای توسعه اقتصادی اجتماعی منطقه افزایش سریع درآمد سرانه در داخل منطقه تعیین و گسترش نیروهای تخصصی افزایش کارایی اقتصادی، اطمینان از حفاظت محیط زیست و بهبود آن و استفاده از منابع طبیعی ذکر نمود (زیاری ۱۳۸۹: ۶۱). هدف در برنامه ریزی منطقه ای استفاده بهینه از تمامی منابع برای توسعه منطقه است بنابراین شناخت قوتها و ضعف ها منطقه اساس کار است. در برنامه ریزی منطقه ای توجه به ساختارهای طبیعی اقتصادی، اجتماعی به خصوص اداری، سیاسی نژادی، قومی فرهنگی مذهبی و کالبدی منطقه از اهمیت خاصی برخوردار است (زیاری، ۱۳۸۹: ۲۱). تغییر از برنامه ریزی به برنامه ریزی شهری و منطقه ایی و سپس به برنامه ریزی حوزه های شهری و منطقه ای آشکار شده است با سرعت گرفتن زندگی شهری آشکار شد که ریشه ی بیشتر مسائل و مشکلات شهری در خارج از محدوده ی رسمی شهرهاست. از این رو برنامه ریزی شهری آنگاه واقع بینانه و موفق است که شامل مناطق روستایی اطراف هم نیز باشد. اصطلاح برنامه ریزی شهری و روستایی یا شکل جدید آن برنامه ریزی شهری و منطقه ای از همین جا ظاهر شده است (زیاری ۱۳۸۳: ۹۲).

جایگاه برنامه ریزی منطقه ایی

اگرچه فرایند برنامه ریزی منطقه ایی همانند سایر برنامه ریزی هاست و دارای همان ویژگی‌ها و یا احتمالاً ترکیبی از اشکال مختلفی از برنامه ریزی که قبلاً ذکر شد می‌باشد؛ اما یک تفاوت اساسی با سایر برنامه ریزی ها دارد و آن برنامه ریزی برای یک منطقه است. از آنجا که برنامه ریزی منطقه ایی برنامه ریزی در سطحی میانه مابین سطح ملی و محلی است قادر است شکاف میان برنامه ریزی در سطح ملی و محلی را بر کند در برنامه ریزی منطقه ای تلاش بر این است تا حوزه هایی که دارای ویژگی‌ها و استعدادهای بالقوه و مسائل اقتصادی - اجتماعی خاص هستند جدای از سایر مناطق مورد توجه قرار گیرند. گرچه توجه به سطح میانه امکان توجه به مسائل اقتصادی و فیزیکی را توأمأ فراهم می‌سازد؛ اما در بعضی از کشورها تمامی این سطوح را نمی‌توان در یک مقطع زمانی مشاهده نمود. در بعضی از کشورها سطح منطقه و سطح ملی فاصله ی زیادی از یکدیگر دارند و یا تفاوت فاحشی را نمی‌توان میان مناطق بزرگ و مناطق کوچک دید. بنابراین در راستای ضرورت برنامه ریزی منطقه ای نمی‌توان تأکید زیادی روی سطوح برنامه ریزی داشت (زیاری، ۱۳۸۹: ۶۵).

فرایند برنامه ریزی منطقه ای

به علت پیچیدگی و تعادل ظریفی که بین اجزای متنوع بهم پیوسته فرایند برنامه ریزی منطقه ایی وجود دارد؛ این فرایند باید مداوم باشد. فرایند برنامه ریزی باید بتواند ضمن اتخاذ چشم انداز از وقایع کوتاه مدت تغییرات را نیز پیش بینی و هدایت کند و بر آنها تأثیر گذارند این فرایند بایستی قابلیت تجدید نظر و تصحیح داشته باشد تا به حال هیچ کس مدلی کلی از روند برنامه ریزی منطقه ایی را ارائه نداده تا بتواند مقاصد خود را به آسانی با آن تطبیق دهد. اما مدلی که در زیر ارائه می‌شود که بر پایه ی مرور و بازنگری تدوین شده است. هدف از تدوین آن تهیه لیستی از تمامی فعالیت ها و اقدامات اساسی است که ویژگی

روند برنامه ریزی را از زمانی که مسأله و مشکل شناسایی شده و مطالعه آغاز می شود تا مرحله ی اجرا و مرور کردن مراحل عملی در برگیرد. در مجموع فرآیند برنامه ریزی منطقه ای را به شرح زیر می توان عنوان نمود:

- ۱- تشخیص و تشریح مقدماتی مسائل و مشکلات
- ۲- تصمیم گیری برای عمل و تشریح وظیفه ی برنامه ریز
- ۳- جمع آوری اطلاعات تجزیه و تحلیل ها و پیش بینی ها
- ۴- شناسایی موانع و مشکلات
- ۵- صورت بندی معیارهای عملی طرح
- ۶- تهیه طرح
- ۷- سنجش طرح های آلترناتیو
- ۸- ارزیابی طرح ها
- ۹- تصمیم گیری برای طرح ها
- ۱۰- اجرای طرح
- ۱۱- مرور بر چگونگی پیشرفت طرح در طول زمان (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۱۰).

راهبردهای برنامه ریزی منطقه ایی

هدف های برنامه ریزی منطقه ای از درون منطقه تعیین می شود اما راهبردهای برنامه ریزی منطقه ای در رابطه با برنامه های ملی تعیین می گردد. بنابراین تعادل برنامه ریزی و روابط بین مناطق گوناگون باید در مقیاس برنامه ملی مشخص شود بدین ترتیب راهبردهای برنامه ریزی منطقه ای مبتنی بر ساختار و نظام برنامه های ملی است. راهبردهای مهمی که در برنامه ریزی منطقه ای ملاک عمل قرار میگیرند به شرح ذیل می باشد:

- راهبرد قطب رشد و مراکز رشد
- راهبرد شهرهای کوچک و میانی
- راهبرد شهرهای جدید
- راهبرد توسعه مناطق عقب مانده
- راهبرد تخصیص منابع
- راهبرد برتری های نسبی
- راهبرد تعادل بخشی به سازمان قضایی کشور
- راهبرد ایجاد عدم تمرکز در تصمیم گیری ها به ویژه در زمینه توسعه منطقه ایی
- راهبرد جذب تکنولوژی و سرمایه گذاری های خارجی
- راهبرد توسعه صنعت توریسم و بازتاب فضایی آن
- راهبرد رعایت مسایل زیست محیطی و دست یابی به توسعه پایدار در سرزمین (زیاری، ۱۳۸۳، ۱۲۲).

نظریه های برنامه ریزی منطقه ای

نظریه های بسیاری در زمینه برنامه ریزی منطقه ای وجود دارد شامل :

نظریه زیست منطقه، نظریه رشد بخش های اقتصادی، نظریه بازرگانی، نظریه بخشی، نظریه کالای اساسی، نظریه رشد از داخل نظریه رشد از خارج نظریه رشد سرمایه داری، نظریه ساختارگرا، نظریه نیازهای اساسی، نظریه تکامل گرایان، نظریه های مکان مرکزی و سازمان فضایی، نظریه کریستالر، نظریه لوش، نظریه گالپین، نظریه اکولوژیکی، نظریه واگرایی همگرایی رشد اقتصادی، نظریه قطب رشد، نظریه رشد و کانون انتشار و ترقی، نظریه جنبه های عملی نظریه رشد، نظریه راندینلی، نظریه عملکرد شهری و توسعه روستایی تشریح تمامی نظریه های مطرح شده در زمینه برنامه ریزی منطقه ایی خارج از حوصله این پژوهش می باشد. بنابراین به چند مورد از نظریه های مذکور به صورت گذرا اشاره می گردد.

نظریه بخشی: این نظریه افزایش درآمد سرانه در منطقه را مرتبط با تخصیص مجدد منابع از بخش کشاورزی و معدن به بخش های صنعت و خدمات بخش دوم و سوم می داند و بر این باور است با افزایش درآمد، تقاضای بیشتری برای تولیدات بخش های دوم و سوم نسبت به بخش اول به وجود می آید که همین امر منجر به پیشرفت بیشتر بهره وری و دستمزد و اشتغال در این دو بخش نسبت به بخش کشاورزی خواهد شد. بنابراین توسعه منطقه ای با سیاست های درون نگر از مناطق با استعداد کشاورزی آغاز می شود و با بهبود حمل و نقل و تخصص و رشد تجارت بستر پیدایش و رشد شهرها را فراهم می کند و با تأمین مواد غذایی کانون های صنعتی با بهره وری زیاد گسترش یافته و سرانجام با بهره وری هر چه بیشتر گروه فزاینده ای به تولید خدمات و مصارف منطقه ای و نیز صادرات خارج منطقه ای می پردازد. این نظریه مبتنی بر تجربه کشورهای اروپایی می باشد (زیاری، ۱۳۸۸: ۹۷).

نظریه رشد از داخل: یکی از نظریه های بسیار ساده رشد منطقه ای نظریه بخشی است. این نظریه بر اساس مشاهدات علمی «کلارک» و «فیشر» بنا نهاده شده است. بنابراین در این نظریه هر افزایشی در درآمد سرانه در نواحی مختلف و در زمان های متفاوت معمولاً با تخصیص مجدد منابع همراه است. همراه با این تحول نسبت نیروی فعال در فعالیت های اولیه (کشاورزی) کاهش می یابد و یک افزایشی در فعالیت بخش دوم (صنایع) و سپس بخش سوم (خدمات) به وجود می آید. نرخ اشتغال در بخش های فوق یا نتیجه تحولات داخلی ناشی از تقسیم کار و تخصصی شدن، نیروی محرکه اصلی برای رشد منطقه می باشد. نرخ اشتغال در بخش های مختلف اهمیت نسبی بخش های مختلف به وسیله انعطاف پذیری درآمد ناشی از تقاضا برای محصولات مختلف و نرخهای متفاوت تغییر در قابلیت تولیدی نیروی کار مشخص می گردد. همان گونه که درآمد افزایش می یابد تقاضا هم برای کالاهای مختلف که به وسیله بخش های صنعت و خدمات عرضه می شود رشد می کند. این مسئله بر تقاضا برای تولیدات کشاورزی افزوده و موجب تسریع در رشد بخش های دیگر خواهد شد. عنوان شده که بخش های صنعت و خدمات منافع بیشتری از قابلیت های تولیدی پیشرفته را سهم می شوند و دستمزد بیشتری را به عوامل تولید می پردازند. این امر موجب انتقال در بخش کشاورزی به این دو بخش می گردد.

«نظریه مراحل» توسعه منطقه ای به صورت ذیل ارائه می دهد:

الف: در مرحله اول منطقه دارای یک اقتصاد معیشتی و میزان سرمایه گذاری در بخش تجارت بسیار کم است. فعالان عرصه کشاورزی در مناطق مستعد طبیعی قرار دارند.

ب): بهبود حمل و نقل و تجارت موجب توسعه منطقه می‌شود. در این مرحله طبقه صنایع ساده روستایی برای کشاورزان توسعه می‌یابد. همچنان که تولید و نیروی کار در بخش کشاورزی انجام می‌شود صنایع ساده روستایی در ارتباط با طبقه اول در بخش کشاورزی معیشتی استقرار می‌یابد.

ج): با افزایش تجارت بین منطقه ای پیشرفت مناطق از طریق موفقیت در تولید محصولات کشاورزی کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری تبدیل می‌گردد.

د): با افزایش جمعیت و کاهش بازده در بخش کشاورزی منطقه وادار به صنعتی شدن می‌گردد توسعه صنعتی ابتدا با تولید محصولات اولیه آغاز می‌شود و سپس به تولید سایر محصولات منجر می‌گردد.

ه): در مرحله آخر منطقه اقدام به تولید صنایع خدماتی صادراتی می‌نماید. این گونه مناطق توسعه یافته، سرمایه، مهارت و خدمات ویژه را به مناطق عقب مانده صادر می‌کنند در این فرآیند رشد تغییرات پایه ایی در ساختار نظام صنعتی به طور واضح بیان شده است کاهش مؤسسات در یک صنعت به خصوص همراه با تعطیل شدن مؤسسات کوچک و تمرکز روی تعداد محدودی بنگاه بزرگ و قوی تغییرات اصلی در منطقه محسوب می‌گردد. این تغییر در سازماندهی همراه با تخصیص مجدد منابع میان بخش‌ها باعث می‌شود تا وضعیت کاربری زمین و سکونتگاهها در منطقه به نفع مراکز بزرگ دگرگون گردد و در نتیجه این دگرگونی حرکت از مراکز کوچک تر به مراکز بزرگ تر و از روستا به شهر صورت می‌گیرد می‌توان گفت که انتقاداتی به «نظریه مراحل» وارد است چون اقتصاد منطقه یک اقتصاد باز است، بنابراین تک بعدی بودن نظریه ها ضعف اساسی آنها است (زیاری، ۱۳۸۸: ۹۹).

نظریه رشد از خارج: آنچه گذشت تأکید رشد منطقه در بلند مدت در وابستگی به ظرفیت داخلی منطقه در عرصه تولید مانند: نیروی کار منابع طبیعی و پیشرفت‌های تکنولوژی بود بدون شک عوامل عرضه داخلی مؤلفه اصلی رشد منطقه را تشکیل می‌دهند. اما عدم توجه به باز و بسته بودن منطقه گمراه کننده خواهد بود در سیستم وابسته اقتصاد امروزی مناطق متأثر از محرک های خارجی اند. اغلب مناطق نسبت به جریان‌های تجاری و اطلاعات خارجی باز هستند. گرچه میزان باز بودن مناطق متفاوت است و به عواملی چند از جمله توپوگرافی مرحله توسعه یافتگی اقتصادی، اندازه منطقه و غیره بستگی دارد. بنابراین باید عوامل خارجی را در پیش بینی رشد منطقه مورد توجه قرار دارد. نظریه ی پایه ایی صادرات از جمله طرق رشد منطقه بر اساس عامل تقاضای خارجی است. این نظریه معتقد است رشد منطقه به میزان بهره برداری از منابع طبیعی و نرخ رشد پایه ای صادرات منطقه وابسته است. این فرایند به تقاضای خارجی از سایر مناطق کشور به میزان زیادی تأکید دارد و درآمد حاصل از فروش صادرات موجب توسعه فعالیت های محلی افزایش سرمایه و حرکت‌های نیروی انسانی توسعه صرفه جویی های خارجی و بالاخره پیشرفت منطقه خواهد شد. بنابراین سطح تقاضای خارجی برای صنایع صادراتی منطقه عامل اصلی در رشد منطقه به شمار می‌رود (زیاری، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

نظریه را ندینلی: دنیس را ندینلی اهداف توسعه روستایی را جدا از شهرها عملی نمی‌داند زیرا بازارهای اصلی برای دریافت مازاد تولیدات کشاورزی در مراکز شهرها قرار دارند. بدین طریق روستاها خدمات مورد نیاز خود را از مراکز شهری کسب می‌کنند. از این رو را ندینلی پیشنهاد می‌کند چنانچه دولت‌ها بخواهند در سطوح اجتماعی و فضایی به توسعه گسترده دست یابند باید پراکندگی جغرافیایی سرمایه گذاری ها را تقویت کنند. این مسئله از طریق عدم تمرکز و سیستم یکپارچه شهرها قابلیت عملی شدن دارد بدین ترتیب را ندینلی در زمینه توسعه نظریه خود را بر مبنای عدم تمرکز سرمایه گذاری ها در سکونتگاه های انسانی با تأکید بر استراتژی توسعه بر محور شهری در تأمین حداقل شرایط برای مردم روستایی قرار می‌دهد که آنها را قادر

می سازد تا جوامع روستایی خود را به توسعه اجتماعی اقتصادی ارتقا دهند. راندینلی در نظریه خود به مفهوم برخورد وابستگی ها نیز اهمیت می دهد و این وابستگی ها را بین حوزه های روستایی شهرهای کوچک با شهرهای بزرگ لازم می داند و این تعامل فضایی و اجتماعی و اقتصادی را اساس اصلی توسعه می داند (زیاری، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

توسعه

توسعه از جمله مباحث بحث برانگیزی است که به خاطر چند بعدی بودن و داشتن جنبه های گوناگون سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی طی سال های پس از جنگ جهانی دوم همواره مورد مناقشه اندیشمندان رشته های گوناگون علوم اجتماعی بوده است (تقوایی و صالحی ۱۳۹۲: ۲۰). نگاهی کلی به پیشینه ی مباحث توسعه در یک قرن اخیر به ویژه از دهه ی پنجاه به این سو نشان می دهد که در ابتدا شاخص های صرفاً مادی ملاک بوده اما به تدریج دامنه ی مباحث توسعه از حوزه ی اقتصاد به سایر حوزه های فرهنگی سیاسی و اجتماعی نیز گسترش یافته است. «مایکل تو دارو» از صاحب نظران به نام در زمینه توسعه در جهان می گوید: «توسعه» به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی تر است تو دارو برای مفهوم توسعه سه ارزش اساسی را نام می برد که عبارتند از: معاش زندگی به معنی قدرت تأمین نیازهای اساسی چون: غذا مسکن بهداشت امنیت و... اعتماد به نفس، به معنای احساس شخصیت عزت نفس داشتن آلت دست دیگران قرار نگرفتن و... و آزادی به معنای توانایی انتخاب رهایی از روابط مادی از خود بیگانه کننده ی زندگی و آزادی از فیود اجتماعی انسان نسبت به طبیعت جهل بدبختی و نیز انسان های دیگر نهادها و باورهای جزمی این بعد سوم از نگاه اندیشمندانی چون «مازلو» به خودشکوفایی تعبیر شده است که به نوعی گذر از نیازهای فیزیولوژیکی اجتماعی و احترام به حساب می آید (هدایتی ۱۳۹۹: ۱۳). در افکار صاحب نظران توسعه تعابیر مختلفی از واژه ی توسعه وجود دارد که از آن جمله می توان به افزایش تولید، افزایش بازدهی ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی ارتقاء سطح خدمات بهداشتی و درمانی بر طرف کردن مشکلات بیکاری و تورم، تأمین نیازهای اقتصادی - اجتماعی برخورداری از آموزش فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه های مختلف اشاره کرد. توسعه در واقع نخستین و مهمترین هدف تمامی دولت ها محسوب می شود. اگرچه یکی از اهداف مهم توسعه همانا پیشرفت اقتصادی است اما این بعد صرفاً غایت نهایی نیست چرا که توسعه صرفاً پدیده ای اقتصادی نیست. بنابراین توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد شامل دگرگونی های در ساختار سیاسی نهادی اجتماعی اداری و اصلاح آنها و همچنین وجه نظرهای عمومی مردم نیز هست (مرادی و احمدی ۱۳۹۵). توسعه مقوله ای کیفی بوده که ضمن رشد در شاخص های اقتصادی اجتماعی و سیاسی دارای بار کیفی و ارزشی است و روند توزیع مطلوب و عادلانه امکانات همراه با کاهش فاصله طبقاتی کاهش تضادهای اجتماعی اقتصادی و فرهنگی را به دنبال دارد.

برنامه ریزی توسعه

عصری که ما در آن زندگی می کنیم عصر سرعت است. کشورهای در حال توسعه فرصت آن را ندارند که در یک فرایند تاریخی طولانی در انتظار به تحقق رسیدن توسعه و برخورداری از نتایج مثبت آن باشند توسعه شامل تغییرات پایه ای در زندگی اقتصادی و اجتماعی انسان های یک جامعه است که در یک فرایند ارادی و خود خواسته اتفاق می افتد. این حرکت ارادی و آگاهانه و آنچه که امکان تحقق توسعه را در یک زمان نسبتاً معقول و منطقی فراهم می سازد، همانا برنامه ریزی است. وقتی هدف برنامه ریزی توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی باشد. آنگاه منظور برنامه ریزی توسعه است. برنامه توسعه یک برنامه

صرفاً اقتصادی نیست بلکه برنامه ای است که به دنبال ایجاد تغییر در ساختارها و نهادهای یک جامعه برای رسیدن به اهداف عالی و چندگانه در حوزه های اقتصادی - اجتماعی و علمی و فرهنگی است (محمودی و ماجد، ۱۳۹۱: ۴۸) برنامه توسعه یک برنامه صرفاً انتفاعی و مبتنی بر کسب سود یا درآمد همانند برنامه هایی که در سطح بنگاه ها و سازمان ها انجام می شود نیست، بلکه برنامه ای است برای حرکت دادن یک جامعه از دوران گذار به دوران مدرن و برنامه توسعه الزاماً متولی واحدی ندارد و کلیه آحاد جامعه و شئون مختلف اقتصادی و اجتماعی را در حوزه داخلی و بین المللی تحت تأثیر قرار می دهد. برنامه توسعه یک برنامه مقطعی برای حل مشکلات موردی یا بحران های مقطعی و موقت نیست بلکه برنامه ایی است برای تغییرات بنیادین که دارای رویکردی مشخص و چشم اندازی نسبتاً روشن است (محمودی و ماجد، ۱۳۹۱: ۴۸).

انواع برنامه ریزی توسعه

برنامه ریزی توسعه بر مبنای معیارهای مختلفی قابل تقسیم بندی است.

الف) از نظر هدف اساسی

- ۱- **برنامه ریزی دورانی:** که هدف آن کنترل یک سری نوسانات اقتصادی دوره ای و محدود کردن آثار منفی آن است و می خواهد یک ثبات کوتاه مدت ایجاد کند مانند برخی برنامه های ضربتی برای رفع بیکاری یا تورم
- ۲- **برنامه ریزی توسعه ایی:** که به دنبال نوسازی و تغییر ساختارها در حوزه های اقتصادی و اجتماعی به صورت بنیادی و پایدار است. در واقع این نوع برنامه ریزی است که می تواند در دستور کار کشورهای در حال توسعه قرار بگیرد. در مورد الف بیشتر مناسب کشورهای توسعه یافته است.

ب) برنامه ریزی از نظر زمان

۱. برنامه کوتاه مدت یک برنامه حدوداً یک ساله است که برنامه ایی اجرایی و عملیاتی و کاملاً تفصیلی است و معمولاً مطابق و مبتنی بر بودجه های سالیانه تنظیم می شود بودجه در واقع برنامه یا سند مالی برنامه است.
۲. برنامه میان مدت دوره ای بین ۳ تا ۷ سال است که معمولاً به صورت ۵ ساله تنظیم می گردد. این برنامه اجرایی است. اما در برخی سطوح از اجمال برخوردار بوده و کاملاً تفصیلی نیست در این برنامه انتظار می رود متغیرهای کلان اقتصادی و اجتماعی بر اساس محاسباتی که مدل برنامه انجام شده تغییر کند و سیاست گذاری ها و اقدامات خاصی نیز برای این منظور در طول برنامه انجام می شود.
۳. برنامه بلند مدت برنامه ای ۱۵ تا ۲۰ ساله است که در این برنامه تعداد متغیرها کمتر بوده و بیشتر به صورت چشم انداز کلی از آینده ترسیم می شود. در این برنامه ادعا بر این است که می توان هر تغییری را در جامعه ایجاد کرد.

ج) برنامه ریزی از نظر درجه دخالت دولت

از نظر درجه دخالت دولت و دستوری بودن برنامه می توان آن را به برنامه ارشادی اجباری و ترکیبی از ارشادی و اجباری تقسیم نمود.

۱. **برنامه ریزی اجباری یا دستوری:** در «برنامه ریزی اجباری یا دستوری» الگوی تخصیص منابع و اقدامات لازم برای تحقق اهداف به طور مشخص تعیین می شود و همه ملزم به رعایت و اجرای آن هستند. در این نوع برنامه ریزی هدف های برنامه راه های اجباری مجریان است و فرض بر این است که دولت برای تحمیل این دستورها به افراد و سازمان های داخل قلمروی خود از ابزار کافی برخوردار است. در این نوع برنامه ریزی دستگاه مرکزی برنامه ریزی دستورالعمل های تفصیلی را به واحدهای

عملیاتی و اجرایی و به مقام های محلی و منطقه ای به طور مستقیم و غیر مستقیم ابلاغ می کند. چگونگی تعیین و تهیه چنین دستورالعملهای مشخص درباره هدفها بدون شک بر اجرا تأثیر می گذارد.

۲. برنامه ریزی ارشادی: در «برنامه ریزی ارشادی» هدفهای برنامه ریزی شده با مشورت های گسترده یا گروه های مشاوره ای کاردان نماینده ی بخش خصوصی و گروه های ذی نفع تعیین می شود. در این شیوه تأکید زیادی بر مطالعات گسترده پیش برنامه می شود تا اجرای برنامه تضمین شود موفقیت برنامه ریزی ارشادی به کمیت و کیفیت آمار و اطلاعات مورد نیاز و همچنین به سطح پیچیدگی روابط اقتصادی موجود در جامعه بستگی دارد. اطلاع رسانی و هدایت عاملین اقتصادی با استفاده از ابزارهای تشویقی و تهدیدی جهت تحقق اهداف برنامه.

۳. ترکیبی از ارشادی و اجباری

(د) برنامه ریزی از نظر سطوح اقتصادی - اجتماعی

برنامه از نظر سطوح اقتصادی اجتماعی می تواند به برنامه کلان بخش یا زیر بخش و طرح سطح پروژه تقسیم شود. برنامه کلان کلیه بخش های اقتصادی را در برمی گیرد ولی برنامه بخشی مثلاً مربوط به بخش کشاورزی یا بخش ارتباطات و یا بخش حمل و نقل و مانند آن است. در سطح برنامه ریزی بخشی برنامه های توسعه بخشی، بر اساس سیاست ها و خط مشی ها و پیش بینی های کلان شامل نوع و حجم عملیات بخش ها و اعتبارات مربوط تهیه و تنظیم می شود.

(ه) برنامه ریزی از نظر شمول جغرافیایی

برنامه از نظر شمول جغرافیایی می تواند ملی منطقه ای یا محلی باشد.

«برنامه ریزی منطقه ای» زیر مجموعه ایی از نظام برنامه ریزی به شمار می آید که معطوف به هماهنگی های مکانی بوده که برای ترکیب بهینه فعالیت ها ضروری است. این زیر مجموعه در ارتباط با برنامه ریزی کلان زمینه هماهنگی لازم و راهبردها را در کل سرزمین از طریق برنامه ریزی بین منطقه ای و آمایش سرزمین میسر می سازد و در ارتباط با برنامه ریزی بخشی تمهیدات هماهنگی در درون منطقه با فضاها محلی و مکان فعالیت را فراهم می کند. بر اساس این هماهنگی زیر مجموعه نظام برنامه ریزی در مکان از سطوح زیر برخوردار می شود:

- سطح ملی و فراملی (برنامه ریزی آمایش سرزمین)

- سطح بین منطقه ای و درون منطقه ای (برنامه ریزی منطقه ای)

- سطح محلی (برنامه ریزی شهری و روستایی)

این سطوح سلسله مراتب فضایی است که باید توأم و مرتبط با هم به عنوان زیر مجموعه متمایزی از نظام برنامه ریزی تلقی شود اما هر یک به دلیل زمینه های فضایی با مقتضیات متفاوت از حوزه عمل و برنامه ریزی مستقلی برخوردار است.

(و) برنامه ریزی از نظر جامعیت

برنامه ریزی از نظر درجه شمول فعالیت های اقتصادی و اجتماعی یا درجه جامعیت عموماً به برنامه ریزی جامع و بخشی یا جزئی تقسیم می گردد برنامه های جزئی فقط یک بخش از اقتصاد ملی نظیر کشاورزی با صنعت را پوشش می دهد (محمودی و ماجد، ۵۰، ۱۳۹۱)

فواید برنامه ریزی توسعه

- ۱- سازماندهی و نظم بخشی به فعالیت‌های انسانی و کاربرد منابع و امکانات براساس منطق
- ۲- جلوگیری از اتلاف وقت و نیروی انسانی منابع مادی، ابزار و تجهیزات
- ۳- به کار انداختن تمامی ظرفیت‌های انسانی و مادی جامعه در جهت توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
- ۴- جلوگیری نسبی از دوباره کاری و تشتت وظایف و اهداف
- ۵- شدت بخشیدن به آهنگ رشد اجتماعی اقتصادی و فرهنگی
- ۶- بالا بردن کارایی اعم از انسانی و ابزار و تجهیزات
- ۷- کوشش در جهت برقرار کردن عدالت اجتماعی بر اساس ارزش‌های جامعه ایی که برنامه، برای آن تدوین می شود.
- ۸- جلوگیری از هرج و مرج متداول در بازار و جلوگیری از نوسانات ادواری نظام اقتصادی (موسوی شاهرودی، ۱۳۸۵: ۲۴)

اهداف برنامه ریزی توسعه

اهداف برنامه ریزی طبعاً متأثر از ساخت اجتماعی و اقتصادی هر جامعه و حیطه عمل برنامه ریزی است. اهداف برنامه ریزی در اقتصاد بازار اقتصاد مختلط (نوع اروپایی و نوع جهان سومی) و اقتصاد برنامه ای با هم متفاوت است. لیکن جدای از این تفاوت ها تمامی نظام‌های اقتصادی جهان رشد اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و ارتقاء سطح زندگی افراد جامعه را هدف اصلی تلقی می‌کنند البته راه های رسیدن به این هدف در هر نظام متفاوت بوده و میزان دست یابی بدان نیز یکسان نیست ولی به هر تقدیر عمده ترین هدف‌های برنامه ریزی صرف نظر از روش رسیدن به آنها و کارا بودن روش‌های متخذه و میزان کارایی به قرار زیر است:

- ۱- اشتغال
- ۲- ثبات قیمت ها
- ۳- بهبود تراز پرداخت ها
- ۴- افزایش تولید
- ۵- تشویق رقابت سالم
- ۶- تلاش در جهت هماهنگی بیشتر بخش‌های مختلف اقتصادی
- ۷- افزایش کارایی نیروی انسانی
- ۸- تحرک بخشی بیشتر به سرمایه جهت دادن به آنها به سمت تولید
- ۹- برآوردن حداکثر نیازهای جامعه با رعایت اولویت ها
- ۱۰- بهبود نحوه توزیع درآمدها و ثروت ها
- ۱۱- تعیین اولویتها در احداث مجتمع های صنعتی و کشاورزی و تعیین محل مناسب احداث آنها
- ۱۲- تضمین عرضه به موقع کالا و خدمات
- ۱۳- بهبود الگوهای مصرف
- ۱۴- بهبود در اندازه ساخت و ترکیب جمعیت
- ۱۵- کاهش ساعات کار و ایجاد امکانات مناسب برای گذراندن اوقات فراغت

۱۶- تنظیم روابط خارجی مطلوب و استفاده و تقسیم کار بین المللی در جهت ارضاء نیازها و توسعه بخش های مختلف تولیدی

۱۷- تأمین بهداشت آموزش و پرورش برای همه و ترتیب کارهای متخصص در سطوح مختلف تخصصی

باید توجه داشت که رسیدن به اهداف یاد شده و اساساً به نتیجه رسیدن برنامه ریزی در گرو ایجاد شرایط سیاسی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی معین و مشخص است که بدون شرایط یاد شده اهداف برنامه ریزی غیر قابل حصول است. اجرای فرآیند توسعه باید پیوسته باشد که شهرنشینی باعث توسعه روستاها شود و پیشرفت روستاها پشتیبان توسعه شهرها شود. نتیجه تلاقی این دو فرآیند باید باعث به وجود آمدن شرایطی شود که از نظر درآمد خدمات اجتماعی و کیفیت زندگی فاصله بین ناحیه های شهری و روستایی کمتر شود (موسوی شاهرودی ۱۳۸۵: ۴۹)

توسعه مستلزم داشتن ساختار اندام واره و سیستمی است. بدین ترتیب هر جزء دقیقاً باید کار خود را هماهنگ و متناسب با اجزاء دیگر انجام دهد در غیر این صورت ساختار معیوب می شود و نواقص پیش آمده ممکن است به محدودیت و حتی از بین رفتن خط مشی توسعه ایی به طور کلی و حتی زوال یک ایدئولوژی قوم ملت و کشور منجر گردد. این امر بارها در تاریخ اتفاق افتاده و نمونه بزرگ اخیر آن فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است (پاپلی یزدی و رجبی ستاجردی، ۱۳۹۳: ۲)

محوریت توسعه

در مقابل برنامه های مصوب که ممکن است اثرات توسعه آن غیر مستقیم باشد از برنامه های توسعه انتظار می رود که نتایج اقتصادی و اجتماعی مثبتی به بار آورند به نحوی که با اهداف توسعه ی ملی مانند رشد و توزیع صحیح درآمد و ارتقاء سطح زندگی سازگار باشد وظایف آنها به گونه ایی است که از نظم مکانیزم بازار ندرتاً می توان یک چارچوب کافی برای برنامه ریزی و کنترل عملیات آنها نام برد. بنابر این برنامه های توسعه در محدوده ی طیفی قرار می گیرد که ابتدایش را برنامه های مصوب و انتهایش را بخش عمومی که بر اساس مبانی تجاری ایجاد شده تشکیل می دهد (پاول، ۱۳۷۴: ۲۸).

توسعه شهری

توسعه شهری به معنی ارتقای شهر از ابعاد مختلف در جهت دست یابی همه شهروندان به زندگی بهتر به نحوی که پایداری اجتماعی اقتصادی، سیاسی کالبدی و زیست محیطی برای شهر فراهم آید. توسعه شهری یکی از مفاهیمی است که با چگونگی شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه های تغذیه بهداشت اشتغال آموزش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت است (دادخواه و همکاران، ۱۳۹۷). امروزه از شهر به عنوان موتور محرکه توسعه کشورها یاد می کنند به طوری که شهر مرکز تبدیل فناوری است و هر روز فنون جدید خلق و ابداع و در مراکز شهری به کار گرفته می شود علاوه بر آن شهر امروزی حافظ فرهنگ اجتماعی، سیاسی اقتصادی و هویت تاریخی جامعه است و فرهنگ ساز نیز به شمار می آید. از طرف دیگر برای توسعه اقتصادی اجتماعی مناطق در سطح ناحیه ایی و محلی و روستایی شهر نقش اصلی را بازی می کند و به نظر برخی صاحب نظران مانند را ندینلی توسعه روستایی از طریق خدمات و امکانات و بازار شهری امکان پذیر است. بنابراین توسعه شهری علاوه بر شهرهای کوچک روستاهای اطراف خود را تحت تأثیر قرار می دهد پس توسعه شهری برای آن که توسعه ایی موزون و هماهنگ با ناحیه و پایدار باشد، باید توسعه ناحیه اعم از شهر و روستا را به همراه داشته باشد (احمدی دهکا و همکاران،

۱۳۹۷:۶). نهایتاً توسعه باید با ساختارها و کارکردهای هر مکانی سازگاری داشته باشد که بحث توسعه ی محلی هم از اینجا ناشی می شود.

مدیریت شهری و توسعه شهری

مدیریت شهری به عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر به سیاست ها برنامه ها طرح ها و اقداماتی مربوط می شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با میزان دسترسی به زیر ساخت های اساسی زندگی شهری، به ویژه مسکن و اشتغال است. مدیریت شهری و نقش اجرایی بخش دولتی در آن تأثیر به سزایی در موفقیت یا عدم موفقیت مدیریت مطلوب شهری ایفا می کند. هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه شهروندان همراه با عدالت اجتماعی کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی به منظور دست یابی به توسعه شهری است. از دهه ی ۱۹۸۰ میلادی به بعد تجربیات جهانی نشان می دهد که در برنامه های توسعه و توسعه شهری، توجه بیشتری به رویکرد مدیریت شهری صورت گرفته به اندازه ایی که آن را زیربنای موفقیت می دانند (دادخواه و همکاران ۱۴۸:۱۳۹۷).

مشارکت شهروندی و توسعه شهری

امروزه توسعه به عنوان یک فرایند مهمترین بحث کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه است. تحقق پیشرفت و توسعه کشورها نیز مستلزم بهره گیری از استعداد و توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنها در مراحل مختلف توسعه است به طوری که توسعه و مشارکت را اموری در هم تنیده است و فرآیند توسعه را وقتی با ثبات و همراه با موفقیت می دانند که همراه با افزایش مشارکت مردم باشد توسعه در تحلیل نهایی تکامل انسان هاست و با مشارکت آنها و برای آنها باید تحقق یابد در فرآیند توسعه انسان هم وسیله و هم هدف است در نتیجه تحقق این معنی باید به دست خود انسان ها و با دخالت ایشان انجام گیرد. به علاوه مشارکت مردم ضامن آزادی فردی عدالت اجتماعی و جلوگیری از سوء استفاده از قدرت در جامعه می باشد. مشارکت دارای سه وجه عمده است؛ مشارکت مؤثر برابرسازی و دسترسی به ابزارهای زندگی شکل گیری علائق جمعی و مشارکت در امور مربوط به جمع و جامعه و مقدم فرض نمودن منافع جمعی بر منافع فردی عام گرایی خردگرایی مستلزم بحث و گفت و گوی عمومی و شکل گیری هویت های جمعی در فضاهای عمومی می باشد (دانش مهر ۱۳۹۶:۵۰). در الگوهای جدید برنامه ریزی و مدیریت شهری جهانی اجرای پروژه های مشارکت شهری جایگاه خاصی یافته است. اجرای پروژه ی توسعه شهری یک فعالیت جمعی مبتنی بر نقش مشارکت شهروندی با الگوهای متفاوت مبتنی بر مشارکت افراد خانواده ها گروه ها سازمان ها نهادها و بخش های خصوصی و عمومی است. اصطلاح تخصصی توسعه پایین به بالا نیز ناظر به نقش مشارکتی مردم است و نقش مشارکتی مردم افراد، گروه ها سازمان ها در فرایند توسعه از جمله توسعه شهری واقعیتی انکار ناپذیر است. تجربیات جهانی نشان می دهد که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد در برنامه های توسعه ی شهری توجه فزاینده ای به رویکرد مشارکت صورت گرفته است (رجبی، ۱۳۹۰:۱۰۱).

منابع و مآخذ

۱. اجلالی؛ پرویز، عسگری؛ علی، رفیعیان؛ مجتبی، نارویی؛ مهناز (۱۳۹۴) تجربه برنامه ریزی در جهان پیدایش و سیر تطور، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، چاپ اول.
۲. احمدی دهکا؛ فریبرز، سجادی؛ زیلا، واحدی یگانه؛ فرید (۱۳۹۷) سنجش میزان تحقق پذیری فرهنگ محیط زیست شهری در راه رسیدن به توسعه پایدار شهری مطالعه موردی شهر سنندج، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۳-۱.
۳. پاپلی یزدی؛ محمد حسین، رجبی سناجرودی؛ حسین (۱۳۹۳) نظریه های شهر و پیرامون، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ نهم.
۴. پاول ساموئل، ترجمه افخمی، علی اشرف (۱۳۷۴) مدیریت استراتژیک در برنامه های توسعه سازمان مدیریت صنعتی، چاپ اول.
۵. تقوایی؛ مسعود، صالحی؛ مریم (۱۳۹۲) سنجش سطوح توسعه یافتگی شهرستان های استان همدان با تاکید بر رویکرد تحلیل منطقه ای، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی منطقه ای، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۳۰-۱۹.
۶. دادخواه؛ هادی، زمانیان؛ غلامرضا، دهمرده قلعه نو؛ نظر (۱۳۹۷) نقش حکمرانی خوب و اقتصاد مقاومتی در توسعه شهری، فصلنامه راهبرد، سال بیست و هفتم، شماره ۸۷، صص ۱۴۱-۱۶۲.
۷. دانش مهر، حسین (۱۳۹۶) سازمان های مردم نهاد کلید توسعه پایدار روستایی، فصلنامه توسعه و آینده پژوهی، سال دوم، شماره پنجم.
۸. رجبی، آزیتا (۱۳۹۰)، شیوه های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه ی شهری، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۲.
۹. زیاری کرامت الله (۱۳۸۳) اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد، چاپ سوم.
۱۰. زیاری کرامت الله (۱۳۸۸) مکتبها نظریه ها و مدل های برنامه و برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۱. زیاری کرامت الله (۱۳۸۹) اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۲. شیعه، اسماعیل (۱۳۹۱) مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، مرکز انتشارات، چاپ سی و یکم.
۱۳. محمودی؛ وحید، ماجد؛ وحید (۱۳۹۱) برنامه ریزی توسعه پایدار شهری با رویکرد برنامه ریزی هسته ای (پیشنهادی برای برنامه ریزی توسعه پایدار شهری تهران)، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۴، صص ۴۳-۷۲.
۱۴. مرادی؛ یعقوب، احمدی؛ رضا (۱۳۹۵) بررسی سلسله مراتب توسعه یافتگی در شهرستان های استان خوزستان با تاکید بر نظریه توسعه پایدار، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال هشتم، شماره بیست و هفتم.
۱۵. موسوی شاهرودی، سید محمد (۱۳۸۵) برنامه ریزی، انتشارات آثار برتر، چاپ چاپ اول.
۱۶. هدایتی، سید هاشم (۱۳۹۹) مسئله شناسی توسعه کردستان، تهران: رویداد، چاپ اول.